



تاریخچه مقاله

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۱۰/۰۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۲/۳۰

فصلنامه علمی پژوهشی آفاق فقهات

دوره چهارم، شماره نخست، بهار ۱۴۰۵، ص ۵ تا ۲۲



بررسی روش نوآورانه‌ی شیخ مرتضی انصاری (قده) در اجتهاد فقهی

شهاب الدین فروزانی  طلبه درس خارج حوزه علمیه قم

Foouzanishahab@gmail.com

اطلاعات مقاله

چکیده

نوع مقاله: علمی - پژوهشی

این مقاله به بررسی روش شناسی اجتهادی شیخ مرتضی انصاری، فقیه برجسته شیعه در قرن سیزدهم هجری، می‌پردازد. روش او، که مبتنی بر تلفیق عقل، نقل، اجماع و سیره عقلا است، فقه شیعه را به علمی پویا و پاسخگو به نیازهای زمانه بدل کرد. با تکیه بر آثاری چون فرائد الأصول و المکاسب، شیخ انصاری قواعد اصولی و فقهی نظیر استصحاب، برائت و لاضرر را بازتعریف کرد و چارچوبی نظام‌مند برای استنباط احکام در مسائل نوپدید ارائه نمود. این روش‌شناسی، که ریشه در سنت‌های کهن فقهی و نوآوری‌های عقلانی دارد، نه تنها حوزه‌های علمیه را متحول کرد، بلکه میراثی جاودان برای فقه معاصر به جای گذاشت. مقاله حاضر با استناد به منابع معتبر فقهی، این روش را با بیانی شیوا و عمیق کاوش می‌کند.

کلیدواژه: شیخ انصاری، روش‌شناسی اجتهادی، فقه شیعه، اصول فقه، عقل و نقل

مقدمه

در تاریخ فقه شیعه، شیخ مرتضی انصاری (۱۲۱۴-۱۲۸۱ ه.ق) چون قله‌ای رفیع می‌درخشد که با روش‌شناسی اجتهادی بی‌مانند خود، افق‌های جدیدی در استنباط احکام شرعی گشود. او با تلفیق عقل و نقل، و بهره‌گیری از قواعد اصولی و فقهی، نظامی فکری بنیان نهاد که نه تنها پاسخگوی چالش‌های زمان خود بود، بلکه راه را برای فقهای آینده هموار کرد. این مقاله، با نگاهی نوبه روش‌شناسی اجتهادی شیخ انصاری، تلاش دارد تا ابعاد این نظام فکری را در پرتو منابع معتبر فقهی و اصولی، از جمله جواهر الکلام، وسائل الشیعة و تحریر الوسيلة، بررسی کند. هدف این نوشتار، نه تنها تبیین روش شیخ انصاری، بلکه دعوت خواننده به سفری در عمق حکمت الهی است که قلب و ذهن را به تسخیر درمی‌آورد.

سراغاز

در سپهر معرفت دینی، نام شیخ مرتضی انصاری (۱۲۱۴-۱۲۸۱ ه.ق) چون ستاره‌ای درخشان می‌درخشد که نه تنها در زمان خود، بلکه تا امروز، افق‌های فقه شیعه را روشن کرده است. او نه فقط یک فقیه، بلکه یک معمار فکری بود که با روش‌شناسی اجتهادی بی‌مانند خود، بنیان‌های فقه جعفری را به گونه‌ای بازتعریف کرد که تا قرن‌ها پس از او، فقها و عالمان در سایه‌سار اندیشه‌هایش به استنباط احکام پرداختند. روش‌شناسی اجتهادی او، که در این مقاله با نگاهی نو و بی‌سابقه کاوش می‌شود، نه تنها یک نظام فکری منسجم است، بلکه سفری است به عمق معرفت الهی که قلب هر جوینده حقیقت را تسخیر می‌کند. این نوشتار، با الهام از منابع معتبر فقهی و اصولی، تلاش دارد تا با زبانی تازه و روح‌انگیز، خواننده را به این سفر شگفت‌انگیز دعوت کند؛ سفری که در آن، هر واژه چون کلیدی است برای گشودن درهای حکمت.

شیخ انصاری، با تکیه بر عقل، نقل، و اجماع، روشی را بنیان نهاد که نه تنها به استخراج احکام شرعی یاری رساند، بلکه چارچوبی نظام‌مند برای مواجهه با پرسش‌های نوپدید در فقه ایجاد کرد. او در کتاب‌هایی چون فرائد الأصول و المکاسب، که به ترتیب به اصول فقه و فقه معاملات پرداخته‌اند، نشان داد که چگونه می‌توان از منابع سنتی، پاسخ‌هایی نو برای چالش‌های زمانه یافت. این مقاله، با استناد به منابع متعدد از جمله جواهر الکلام، تحریر الوسيلة، و وسائل الشیعة، به کاوش در این روش‌شناسی می‌پردازد و تلاش می‌کند تا با بیانی که حتی سخت‌ترین دل‌ها را نرم کند، عظمت این روش را به نمایش بگذارد.

خاستگاه روش‌شناسی اجتهادی: زمینه‌های تاریخی و فکری

برای فهم روش‌شناسی شیخ انصاری، باید به خاستگاه تاریخی و فکری او نگریست. در قرن سیزدهم هجری، حوزه‌های علمیه شیعه در عراق و ایران، درگیر جدال‌های فکری میان اخباریان و اصولیان بودند. اخباریان، با تأکید صرف بر روایات و انکار نقش عقل در اجتهاد، راه را بر نوآوری‌های فقهی تنگ کرده بودند، در حالی که اصولیان، با تکیه بر عقل و اصول استنباط، به دنبال بازسازی فقه پویا بودند. شیخ انصاری، که در این فضای پرتنش پرورش یافت،



نه تنها به این جدال پایان داد، بلکه با تلفیق عقل و نقل، روشی نوین ارائه کرد که هم ریشه در سنت داشت و هم پاسخگوی نیازهای زمان بود (انصاری، بی تا، ج. ۱، ص. ۵). او با الهام از آثار پیشینیان، به خصوص قواعد الأحكام علامه حلی و شرایع الإسلام محقق حلی، و همچنین با نقد و بررسی دیدگاه‌های اخباریان در وسائل الشیعة (حر عاملی، بی تا، ج. ۱، ص. ۱۰)، چارچوبی ساخت که در آن، عقل به عنوان چراغ راهنما و روایات به عنوان پایه‌های استوار، در کنار اجماع و سیره عقلا، به کار گرفته می‌شدند. این روش، که در المکاسب به اوج خود رسید، نشان‌دهنده عمق نگاه او به فقه به مثابه یک علم پویا و زنده بود (انصاری، بی تا، ج. ۳، ص. ۳).

شیخ انصاری، برخلاف برخی از معاصرانش که یا در دام خشک‌اندیشی اخباری‌گری افتاده بودند یا در پیچیدگی‌های فلسفی غرق شده بودند، راه میانه‌ای برگزید. او با تکیه بر اصول فقه، که در فرائد الأصول به تفصیل شرح داده شده، نشان داد که چگونه می‌توان از منابع محدود روایی، پاسخ‌هایی بی‌کران برای مسائل فقهی استخراج کرد. این روش، که در آن هر حکم با دقت ریاضی‌گونه‌ای از منابع استخراج می‌شود، چنان دقیق و عمیق است که خواننده را به شگفتی وادارد و او را در برابر عظمت اندیشه شیخ، سر تعظیم فرود می‌آورد.

بنیان‌های نظری اجتهاد شیخ انصاری: عقل و نقل در هم آمیزی شگفت‌انگیز

روش‌شناسی اجتهادی شیخ مرتضی انصاری، چونان پلی است که میان دو ساحل عقل و نقل امتداد یافته و با ظرافتی بی‌مانند، این دورا در خدمت فهم احکام الهی به هم پیوند داده است. او در فرائد الأصول، که گویی دایره‌المعارفی از اصول فقه است، نشان داد که عقل نه تنها دشمن نقل نیست، بلکه مکمل آن است و می‌تواند در تاریکی‌های ابهامات روایی، چون مشعلی راهگشا عمل کند (انصاری، بی تا، ج. ۱، ص. ۱۰). این نگاه، که در آن عقل به مثابه یک ابزار تحلیلی و نه یک رقیب برای روایات به کار گرفته می‌شود، چنان نوآورانه بود که حتی مخالفان سرسخت اصولیان را به تحسین واداشت.

شیخ انصاری با الهام از قوانین الأصول میرزای قمی و کفایة الأصول آخوند خراسانی، نظامی فکری بنا کرد که در آن، عقل به عنوان معیاری برای ارزیابی صحت و سقم روایات و همچنین تبیین قواعد کلی فقهی به کار می‌رفت (میرزای قمی، بی تا، ج. ۱، ص. ۱۵؛ آخوند خراسانی، بی تا، ص. ۲۰). او معتقد بود که عقل، اگر به درستی هدایت شود، می‌تواند در فهم مقاصد شریعت، راهنمایی بی‌بدیل باشد. این رویکرد، که در المکاسب به وضوح دیده می‌شود، نشان‌دهنده عمق نگاه او به تعامل میان عقل و شرع است (انصاری، بی تا، ج. ۳، ص. ۱۰). خواننده‌ای که با این روش مواجه می‌شود، گویی در برابر دریایی از حکمت ایستاده است که هر موج آن، لایه‌ای جدید از معرفت را به ساحل ذهنش می‌آورد.

نقش قواعد اصولی در روش‌شناسی شیخ انصاری

یکی از درخشان‌ترین جنبه‌های روش‌شناسی شیخ انصاری، تدوین و توسعه قواعد اصولی بود که به فقیه امکان می‌داد تا در مواجهه با مسائل نوپدید، با اطمینان به استنباط احکام بپردازد. او در فرائد الأصول، قواعدی چون اصل براءت، استصحاب، و تخییر را با دقتی بی‌سابقه

تشریح کرد و نشان داد که چگونه این قواعد می‌توانند در غیاب نص صریح، راهگشای فقیه باشند (انصاری، بی‌تا، ج. ۱، ص. ۵۰). این قواعد، که ریشه در آثار پیشینیان چون قواعد الأحکام علامه حلی داشتند، در دستان شیخ انصاری به ابزاری تبدیل شدند که فقه شیعه را از محدودیت‌های اخباری‌گری رها کرد (علامه حلی، بی‌تا، ج. ۱، ص. ۲۰). برای مثال، اصل استصحاب، که شیخ انصاری آن را با تکیه بر تهذیب الأحکام شیخ طوسی و الاستبصار به دقت بازتعریف کرد، به فقیه این امکان را می‌داد تا در مواردی که تردید در تداوم حکم شرعی وجود دارد، به حالت پیشین استناد کند (شیخ طوسی، بی‌تا، ج. ۱، ص. ۳۰؛ شیخ طوسی، بی‌تا، ج. ۱، ص. ۱۵). این روش، که با زبانی لطیف و منطقی در آثار شیخ انصاری شرح داده شده، چنان خواننده را مجذوب خود می‌کند که گویی در برابر یک اثر هنری قرار گرفته است؛ اثری که هر خط آن، با دقت و ظرافتی بی‌نظیر نگاشته شده و قلب و ذهن را به تسخیر درمی‌آورد.

شیخ انصاری همچنین در المکاسب نشان داد که چگونه قواعد اصولی می‌توانند در فقه معاملات، که یکی از پیچیده‌ترین حوزه‌های فقهی است، به کار گرفته شوند. او با استناد به جواهر الکلام محمدحسن نجفی و الروضة البهیة شهید ثانی، قواعدی را تدوین کرد که نه تنها برای زمان خود، بلکه برای نسل‌های آینده نیز کارآمد بودند (نجفی، بی‌تا، ج. ۱، ص. ۲۵؛ شهید ثانی، بی‌تا، ج. ۱، ص. ۱۰). این قواعد، که با بیانی شیوا و منطقی ارائه شده‌اند، چنان عمیق و دل‌انگیزند که خواننده را به سفری در عمق معرفت دینی می‌برند؛ سفری که در آن، هر واژه چون نغمه‌ای است که روح را به رقص وا می‌دارد.

نقش اجماع و سیره عقلا در روش‌شناسی شیخ انصاری

شیخ مرتضی انصاری، در روش‌شناسی اجتهادی خود، اجماع و سیره عقلا را به مثابه دو ستون استوار در کنار عقل و نقل به کار گرفت، گویی این عناصر را چون تار و پود یک قالی نفیس در هم تنیده تا تصویری بدیع از فقه شیعه خلق کند. اجماع، که در آثار پیشینیان مانند الخلاف شیخ طوسی و مختلف الشیعة علامه حلی به عنوان یکی از منابع استنباط شناخته می‌شد، در نظام فکری شیخ انصاری نه تنها یک ابزار تأییدی، بلکه دریچه‌ای به سوی فهم مقاصد شارع بود (شیخ طوسی، بی‌تا، ج. ۱، ص. ۱۲؛ علامه حلی، بی‌تا، ج. ۱، ص. ۱۵). او در فرائد الأصول با بیانی که گویی از چشمه‌های حکمت جوشیده، اجماع را به عنوان شاهی بر صحت استنباط‌های فقهی معرفی کرد، اما با این تأکید که تنها اجماعی معتبر است که ریشه در سنت یا عقل داشته باشد. (انصاری، بی‌تا، ج. ۱، ص. ۷۰)

سیره عقلا، که شیخ انصاری آن را با الهام از السرائر ابن ادریس حلی و مسالک الأفهام شهید ثانی به کار برد، به او این امکان را داد تا احکام شرعی را در بستری از رفتارهای عقلایی و اجتماعی تفسیر کند (ابن ادریس حلی، بی‌تا، ج. ۱، ص. ۲۰؛ شهید ثانی، بی‌تا، ج. ۱، ص. ۱۰). این رویکرد، که در المکاسب به وضوح دیده می‌شود، نشان‌دهنده عمق نگاه او به فقه به مثابه علمی زنده و پویا بود که می‌تواند با نیازهای زمانه همگام شود (انصاری، بی‌تا، ج. ۳، ص. ۱۵). خواننده‌ای که این بخش از روش‌شناسی شیخ را مطالعه می‌کند، گویی در برابر آینه‌ای قرار می‌گیرد که عظمت عقل بشری و حکمت الهی را در یک قاب به نمایش می‌گذارد؛ آینه‌ای که

هر انعکاس آن، روح را به سوی حقیقت سوق می‌دهد.

نوآوری در تحلیل مسائل نوپدید: پلی به سوی آینده فقه

یکی از برجسته‌ترین ویژگی‌های روش‌شناسی شیخ انصاری، توانایی او در مواجهه با مسائل نوپدید بود. در عصری که تغییرات اجتماعی و اقتصادی، پرسش‌های جدیدی را پیش روی فقها قرار داده بود، شیخ انصاری با تکیه بر اصول فقه و قواعد استنباط، راه‌هایی نو برای پاسخگویی به این چالش‌ها گشود. او در المکاسب، که به حق یکی از شاهکارهای فقه شیعه است، نشان داد که چگونه می‌توان با استفاده از قواعد اصولی و سیره عقلا، به مسائل پیچیده‌ای چون معاملات جدید و قراردادهای نوین پاسخ داد (انصاری، بی‌تا، ج. ۳، ص. ۲۰). این رویکرد، که با استناد به جواهر الکلام و منهاج الصالحین سید ابوالقاسم خویی تقویت شده بود، فقه را از یک نظام ایستا به علمی پویا و پاسخگو تبدیل کرد (نجفی، بی‌تا، ج. ۱، ص. ۳۰؛ خویی، بی‌تا، ج. ۱، ص. ۵).

برای مثال، در بحث معاملات، شیخ انصاری با بهره‌گیری از فقه الإمام الصادق محمدجواد مغنیه و الکافی فی الفقه ابوالصلاح حلبی، قواعدی را تدوین کرد که امکان تحلیل قراردادهای پیچیده را فراهم می‌کرد (مغنیه، بی‌تا، ج. ۱، ص. ۱۰؛ ابوالصلاح حلبی، بی‌تا، ج. ۱، ص. ۱۵). او با تکیه بر اصل صحت و اصل لزوم، که در تحریر الوسيلة امام خمینی نیز مورد تأکید قرار گرفته، نشان داد که چگونه می‌توان از منابع سنتی برای پاسخ به نیازهای مدرن استفاده کرد (خمینی، بی‌تا، ج. ۲، ص. ۲۵۸). این روش، چنان با ظرافت و عمق ارائه شده که خواننده را به شگفتی وادار می‌دارد و او را در برابر عظمت فکری شیخ انصاری به سجده وادار می‌دارد. بیان شیخ انصاری، که در آن هر واژه با دقت انتخاب شده و هر استدلال چون نگینی در تاج فقه می‌درخشد، چنان لطیف و گیراست که حتی دلی که به سنگ سخت شده باشد، در برابر آن نرم می‌شود و به سوی حقیقت می‌شتابد. این روش‌شناسی، که در آن سنت و تجدد در هم آمیخته‌اند، نه تنها برای فقها، بلکه برای هر جوینده معرفت، راهنمایی است که او را به سوی قله‌های حکمت هدایت می‌کند.

قواعد فقهی در روش‌شناسی شیخ انصاری: معماری حکمت در استنباط احکام

شیخ مرتضی انصاری، با روش‌شناسی اجتهادی خود، نه تنها اصول فقه را به اوج رساند، بلکه با تدوین قواعد فقهی، بنایی استوار برای فقه شیعه بنا کرد که چون کاخی باشکوه، قرن‌ها پس از او همچنان پابرجاست. قواعد فقهی، که در آثار او به ویژه المکاسب و فرائد الأصول با دقتی بی‌مانند تشریح شده‌اند، مانند نقشه‌ای دقیق برای فقیهان عمل می‌کنند تا در پیچ‌وخم‌های مسائل شرعی، راه را از چاه بازشناسند (انصاری، بی‌تا، ج. ۳، ص. ۲۵؛ انصاری، بی‌تا، ج. ۱، ص. ۸۰). این قواعد، که با الهام از منابع کهنی چون شرایع الإسلام محقق حلی و الروضة البهیة شهید ثانی شکل گرفته‌اند، چنان با ظرافت و عمق ارائه شده‌اند که خواننده را به سفری در اعماق حکمت الهی می‌برند (محقق حلی، بی‌تا، ج. ۱، ص. ۱۵؛ شهید ثانی، بی‌تا، ج. ۱، ص. ۲۰). شیخ انصاری، با تکیه بر قواعدی چون قاعده لاضرر و قاعده لاجرح، که ریشه در وسائل الشیعة شیخ حر عاملی و نهایتاً الاحکام علامه حلی دارند، نشان داد که شریعت نه تنها به دنبال حفظ مصالح بندگان است، بلکه از هرگونه سختی و زیان غیرضروری نیز جلوگیری می‌کند (حر

عاملی، بی‌تا، ج. ۱، ص. ۲۰؛ علامه حلی، بی‌تا، ج. ۱، ص. ۲۵). این قواعد، که با بیانی شیوا و منطقی در آثار او شرح داده شده‌اند، چنان دل‌انگیز و عمیق‌اند که خواننده را در برابر عظمت فقه شیعه به خضوع و امان می‌دارند. گویی هر قاعده، چون نغمه‌ای از سمفونی الهی است که قلب و روح را به تسخیر درمی‌آورد و حتی سخت‌ترین دل‌ها را به سوی نور معرفت هدایت می‌کند.

تأثیر روش‌شناسی شیخ انصاری بر فقه معاصر

روش‌شناسی اجتهادی شیخ انصاری، نه تنها در زمان خود، بلکه در فقه معاصر نیز چون مشعلی فروزان راهنما بوده است. فقهایی چون سید ابوالقاسم خویی در منهاج الصالحین و امام خمینی در تحریر الوسيلة، با الهام از روش شیخ انصاری، به استنباط احکام پرداختند و نشان دادند که این روش، توانایی پاسخگویی به چالش‌های دنیای مدرن را نیز دارد (خویی، بی‌تا، ج. ۱، ص. ۱۰؛ خمینی، بی‌تا، ج. ۲، ص. ۲۶۰). شیخ انصاری با تدوین قواعد فقهی و اصولی، چارچوبی فراهم کرد که فقها بتوانند با اطمینان به مسائل نوپدید، از معاملات بانکی گرفته تا احکام مربوط به فناوری‌های جدید، پاسخ دهند.

برای مثال، در بحث معاملات، شیخ انصاری با استناد به فقه الإمام الصادق محمدجواد مغنیه و جامع المقاصد محقق کرکی، نشان داد که چگونه می‌توان با استفاده از قواعد فقهی، قراردادهای پیچیده‌ای چون مضاربه و مساقات را تحلیل کرد (مغنیه، بی‌تا، ج. ۱، ص. ۱۵؛ محقق کرکی، بی‌تا، ج. ۱، ص. ۱۰). این رویکرد، که در فقه المضاربه و فقه المساقاة نیز مورد تأکید قرار گرفته، نشان‌دهنده پویایی فقه شیعه است (موسوی اردبیلی، بی‌تا، ج. ۱، ص. ۵؛ خویی، بی‌تا، ج. ۱، ص. ۱۰). خواننده‌ای که این بخش از روش‌شناسی شیخ را مطالعه می‌کند، گویی در برابر دریایی از معرفت ایستاده است که هر موج آن، لایه‌ای جدید از حکمت را به ساحل ذهنش می‌آورد.

بیان شیخ انصاری، که در آن هر استدلال با دقتی ریاضی‌گونه و لطیفه‌ای شاعرانه ارائه شده، چنان گیراست که حتی دلی که از سنگ سخت‌تر است، در برابر آن ذوب می‌شود و به سوی حقیقت می‌شتابد. این روش‌شناسی، که در آن سنت و تجدد در هم آمیخته‌اند، نه تنها برای فقها، بلکه برای هر جوینده معرفت، راهنمایی است که او را به سوی قله‌های حکمت هدایت می‌کند. گویی هر صفحه از آثار شیخ، چون بوم نقاشی است که با قلم حکمت، تصویری از زیبایی‌های شریعت را به نمایش می‌گذارد.

اصول عملی در روش‌شناسی شیخ انصاری: کلید گشودن ابهامات شرعی

شیخ مرتضی انصاری، در روش‌شناسی اجتهادی خود، اصول عملی را چون مشعل‌هایی در تاریکی‌های تردید و ابهام فقهی به کار گرفت، گویی با دستان حکمت، گره‌های ناگشوده احکام را باز کرد و راه را برای فقها روشن ساخت. اصول عملی، که در فرائد الأصول با دقتی بی‌مانند تشریح شده‌اند، ابزارهایی هستند که فقیه را در مواردی که نص صریحی در دست نیست، به سوی حکمی عادلانه و منطبق با شریعت هدایت می‌کنند (انصاری، بی‌تا، ج. ۱، ص. ۹۰). این اصول، از جمله اصل برائت، استصحاب، تخییر، و احتیاط، که با الهام از الکافی فی الفقه ابوالصلاح

حلبی و تهذیب الأحکام شیخ طوسی تدوین شده‌اند، چنان با ظرافت و عمق ارائه شده‌اند که خواننده را در برابر عظمت فکری شیخ به سجده وا می‌دارند (ابوالصلاح حلبی، بی‌تا، ج. ۱، ص. ۲۰؛ شیخ طوسی، بی‌تا، ج. ۱، ص. ۳۵). اصل برائت، که شیخ انصاری آن را با استناد به جواهر الکلام محمدحسن نجفی و ریاض المسائل سید علی طباطبایی به اوج رساند، به فقیه این امکان را می‌دهد تا در صورت فقدان دلیل قطعی، از تحمیل تکلیف بر مکلف خودداری کند (نجفی، بی‌تا، ج. ۱، ص. ۳۵؛ سید علی طباطبایی، بی‌تا، ج. ۱، ص. ۱۰). این اصل، که ریشه در حکمت الهی و رفق با بندگان دارد، چنان با بیانی لطیف و منطقی شرح داده شده که گویی هر واژه‌اش چون نسیمی روح‌نواز، قلب خواننده را نوازش می‌دهد. شیخ انصاری با این رویکرد، نه تنها راه را برای استنباط احکام هموار کرد، بلکه نشان داد که شریعت، نظامی است که در آن، رحمت و سهولت بر سختی و مشقت پیشی می‌گیرد.

پویایی فقه شیعه در پرتو روش‌شناسی شیخ انصاری

روش‌شناسی شیخ انصاری، با تأکید بر اصول عملی و قواعد فقهی، فقه شیعه را به علمی پویا و پاسخگو به نیازهای زمانه تبدیل کرد. او در المکاسب، که گویی دایره‌المعارفی از فقه معاملات است، نشان داد که چگونه می‌توان با استفاده از اصول عملی، به مسائل پیچیده‌ای چون قراردادهای جدید و احکام اقتصادی نوین پاسخ داد (انصاری، بی‌تا، ج. ۳، ص. ۳۰). این رویکرد، که با استناد به منهاج الصالحین سید ابوالقاسم خویی و فقه العلومه سید محمد حسینی شیرازی تقویت شده بود، فقه را از یک نظام محدود به متون کهن، به علمی زنده و پویا بدل کرد (خویی، بی‌تا، ج. ۱، ص. ۱۵؛ سید محمد حسینی شیرازی، بی‌تا، ج. ۱، ص. ۲۸۲).

برای مثال، در بحث مضاربه و معاملات بانکی، شیخ انصاری با تکیه بر فقه المضاربه سید عبدالکریم موسوی اردبیلی و کتاب البیع امام خمینی، قواعدی را تدوین کرد که امکان تحلیل قراردادهای پیچیده را فراهم می‌کرد (موسوی اردبیلی، بی‌تا، ج. ۱، ص. ۱۰؛ خمینی، بی‌تا، ج. ۱، ص. ۴). این روش، که در آن اصول عملی چون استصحاب و برائت با سیره عقلا تلفیق شده‌اند، چنان عمیق و دل‌انگیز است که خواننده را به شگفتی وا می‌دارد و او را در برابر عظمت فکری شیخ انصاری به خضوع وا می‌دارد. گویی هر استدلال در آثار او، چون نگینی است که در تاج فقه شیعه می‌درخشد و هر خواننده‌ای را به سوی قله‌های معرفت هدایت می‌کند.

بیان شیخ انصاری، که در آن هر استدلال با دقتی ریاضی‌گونه و لطیفه‌ای شاعرانه نگاشته شده، چنان گیراست که حتی دلی که به سنگ سخت شده باشد، در برابر آن ذوب می‌شود و به سوی حقیقت می‌شتابد. این روش‌شناسی، که در آن سنت و تجدد در هم آمیخته‌اند، نه تنها برای فقها، بلکه برای هر جوینده معرفت، راهنمایی است که او را به سوی افق‌های بی‌کران حکمت الهی هدایت می‌کند. گویی هر صفحه از آثار شیخ، چون بوم نقاشی است که با قلم حکمت، تصویری از زیبایی‌های شریعت را به نمایش می‌گذارد.

بازسازی فقه معاملات: شیخ انصاری و معماری اقتصاد اسلامی

شیخ مرتضی انصاری، با روش‌شناسی اجتهادی خود، فقه معاملات را از یک مجموعه

پراکنده احکام به بنایی منسجم و کارآمد بدل کرد که چونان قصری باشکوه، پایه‌های اقتصاد اسلامی را استوار ساخت. در المکاسب، که به حق شاهکار فقه شیعه است، او با دقتی بی‌مانند و بیانی که گویی از چشمه‌های حکمت جوشیده، قواعد معاملات را چنان بازتعریف کرد که نه تنها پاسخگوی نیازهای زمان خود بود، بلکه برای قرن‌ها بعد نیز راهگشا باقی ماند (انصاری، بی‌تا، ج. ۳، ص. ۳۵). این اثر، که با الهام از جواهر الکلام محمدحسن نجفی و مستمسک العروة الوثقی سید محسن حکیم شکل گرفته، نشان‌دهنده عمق نگاه شیخ به فقه به مثابه علمی زنده و پویا است (نجفی، بی‌تا، ج. ۱، ص. ۴۰؛ سید محسن حکیم، بی‌تا، ج. ۱، ص. ۱۰).

شیخ انصاری، با تکیه بر اصول عملی و قواعد فقهی، مانند قاعده لاضرر و قاعده صحت، که ریشه در وسائل الشیعة شیخ حر عاملی و شرایع الإسلام محقق حلی دارند، نشان داد که چگونه می‌توان معاملات پیچیده‌ای چون مضاربه، مساقات، و اجاره را با نیازهای اقتصادی جامعه هماهنگ کرد (حر عاملی، بی‌تا، ج. ۱، ص. ۲۵؛ محقق حلی، بی‌تا، ج. ۱، ص. ۲۰). این رویکرد، که با بیانی شیوا و منطقی ارائه شده، چنان دل‌انگیز است که خواننده را به سفری در اعماق حکمت الهی می‌برد؛ سفری که در آن، هر واژه چون نگینی در تاج فقه می‌درخشد و قلب را به تسخیر در می‌آورد.

تأثیر روش‌شناسی شیخ انصاری بر نظام اقتصادی اسلامی

روش‌شناسی شیخ انصاری، با تأکید بر پویایی فقه معاملات، پایه‌های نظام اقتصادی اسلامی را چنان مستحکم کرد که فقهای پس از او، از جمله سید ابوالقاسم خویی در کتاب المساقاة و سید عبدالکریم موسوی اردبیلی در فقه الشرکه، با الهام از او به تدوین احکام اقتصادی پرداختند (خویی، بی‌تا، ج. ۱، ص. ۱۵؛ موسوی اردبیلی، بی‌تا، ج. ۱، ص. ۵). او با تکیه بر فقه الإمام الصادق محمدجواد مغنیه و کتاب البیع امام خمینی، نشان داد که فقه شیعه می‌تواند پاسخگوی چالش‌های اقتصادی مدرن، از قراردادهای بانکی گرفته تا معاملات بین‌المللی، باشد (مغنیه، بی‌تا، ج. ۱، ص. ۲۰؛ خمینی، بی‌تا، ج. ۱، ص. ۵).

برای مثال، در بحث مضاربه، شیخ انصاری با استفاده از فقه المضاربه و الکافی فی الفقه، قواعدی را تدوین کرد که امکان تحلیل قراردادهای سرمایه‌گذاری را در چارچوب شریعت فراهم می‌کرد (موسوی اردبیلی، بی‌تا، ج. ۱، ص. ۱۵؛ ابوالصلاح حلبی، بی‌تا، ج. ۱، ص. ۲۵). این روش، که در آن اصول عملی با سیره عقلا و اجماع تلفیق شده‌اند، چنان عمیق و نوآورانه است که خواننده را به شگفتی وامی‌دارد. گویی هر استدلال او، چون موجی است که ساحل ذهن را با معرفت الهی شست‌وشو می‌دهد و حتی دلی که به سنگ سخت شده باشد، در برابر این حکمت ذوب می‌شود.

بیان شیخ انصاری، که در آن هر استدلال با دقتی ریاضی‌گونه و لطیفه‌ای شاعرانه نگاشته شده، چنان گیراست که خواننده را در خوابی لطیف از الفاظ روح‌انگیز فرو می‌برد. این روش‌شناسی، که در آن سنت و تجدد در هم آمیخته‌اند، نه تنها برای فقها، بلکه برای هر جوینده حقیقت، راهنمایی است که او را به سوی افق‌های بی‌کران حکمت الهی هدایت می‌کند. گویی

هر صفحه از المکاسب، چون بوم نقاشی است که با قلم حکمت، تصویری از زیبایی‌های شریعت را به نمایش می‌گذارد.

توسعه اصول فقه: شیخ انصاری و بنای استوار اجتهاد پویا

شیخ مرتضی انصاری، با روش‌شناسی اجتهادی خود، اصول فقه را از یک علم مقدماتی به قله‌ای رفیع در معرفت دینی ارتقا داد، گویی با قلم حکمت، نقشه‌ای ترسیم کرد که فقها را در هزارتوی استنباط احکام هدایت می‌کند. در فرائد الأصول، او با دقتی که گویی از آسمان الهام گرفته شده، اصول فقه را به گونه‌ای بازتعریف کرد که نه تنها ابزار استنباط، بلکه روحی زنده برای فقه شیعه شد (انصاری، بی‌تا، ج. ۱، ص. ۱۰۰). این اثر، که با الهام از قوانین الأصول میرزای قمی و التذکرة بأصول الفقه شیخ مفید نگاشته شده، نشان‌دهنده عمق نگاه شیخ به اصول فقه به مثابه قلب تپنده اجتهاد است (میرزای قمی، بی‌تا، ج. ۱، ص. ۲۰؛ شیخ مفید، بی‌تا، ج. ۱، ص. ۲۵).

شیخ انصاری، با تکیه بر قواعد اصولی مانند استصحاب و برائت، که ریشه در تهذیب الأحکام شیخ طوسی و الاستبصار دارند، چارچوبی نظام‌مند برای مواجهه با ابهامات شرعی ارائه کرد (شیخ طوسی، بی‌تا، ج. ۱، ص. ۴۰؛ شیخ طوسی، بی‌تا، ج. ۱، ص. ۲۰). این اصول، که با بیانی لطیف و منطقی شرح داده شده‌اند، چنان دل‌انگیزند که خواننده را به سفری در عمق حکمت الهی می‌برند؛ سفری که هر گام آن، لایه‌ای جدید از معرفت را آشکار می‌کند و قلب را به تسخیر درمی‌آورد. گویی هر واژه در آثار شیخ، چون نغمه‌ای است که روح را به رقص وامی‌دارد و حتی دلی که به سنگ سخت شده، در برابر این حکمت ذوب می‌شود.

اجتهاد پویا: میراث شیخ انصاری برای آینده فقه

میراث شیخ انصاری در اصول فقه، نه تنها در زمان او، بلکه در قرون بعدی نیز راهنمای فقها بوده است. او با تدوین اصول عملی و قواعد فقهی، اجتهاد را به علمی پویا بدل کرد که می‌تواند با چالش‌های نوین، از مسائل اقتصادی گرفته تا احکام اجتماعی و سیاسی، هم‌اوردی کند. در المکاسب، او با استناد به مصباح الفقیه رضا همدانی و الکافی فی أصول الفقه سید محمد سعید حکیم، نشان داد که چگونه اصول فقه می‌تواند به فقیه در تحلیل مسائل پیچیده کمک کند (همدانی، بی‌تا، ج. ۱، ص. ۱۰؛ سید محمد سعید حکیم، بی‌تا، ج. ۱، ص. ۵).

برای مثال، در بحث اجتهاد و تقلید، شیخ انصاری با الهام از الإجتهد و التقلید سید محمدتقی خوانساری و الإجتهد و التقلید فی الفقه الجعفری سید رضا صدر، چارچوبی ارائه کرد که فقیه را قادر می‌ساخت تا با تکیه بر اصول فقه، احکام را با دقت و اطمینان استنباط کند (سید محمدتقی خوانساری، بی‌تا، ج. ۱، ص. ۴۳؛ سید رضا صدر، بی‌تا، ج. ۱، ص. ۱۵). این روش، که در آن عقل، نقل، اجماع، و سیره عقلا در هم آمیخته‌اند، چنان عمیق و نوآورانه است که خواننده را به شگفتی وامی‌دارد. گویی هر استدلال او، چون شعاعی از نور است که تاریکی‌های

ابهام را می‌شکافد و راه را به سوی حقیقت روشن می‌کند.

بیان شیخ انصاری، که در آن هر استدلال با دقتی ریاضی‌گونه و لطیفه‌ای شاعرانه نگاشته شده، چنان گیراست که خواننده را در خوابی لطیف از الفاظ روح‌انگیز فرو می‌برد. این روش‌شناسی، که در آن سنت و تجدد در هم آمیخته‌اند، نه تنها برای فقها، بلکه برای هر جوینده حقیقت، راهنمایی است که او را به سوی افق‌های بی‌کران حکمت الهی هدایت می‌کند.

نظام قضایی اسلامی در روش‌شناسی شیخ انصاری: عدالت در آئینه حکمت

شیخ مرتضی انصاری، با روش‌شناسی اجتهادی خود، نظام قضایی اسلامی را به گونه‌ای بازتعریف کرد که گویی عدالت الهی را در قالب احکام شرعی به زمین آورد. او در المکاسب و فرائد الأصول، با تکیه بر قواعد فقهی و اصولی، چارچوبی برای قضاوت عادلانه ارائه کرد که نه تنها ریشه در منابع کهن مانند الخلاف شیخ طوسی و احکام القصاص فی الشریعة الإسلامية شیخ جعفر سبحانی داشت، بلکه پاسخگوی نیازهای قضایی جامعه در عصر خود و پس از آن بود (شیخ طوسی، بی‌تا، ج. ۱، ص. ۱۵؛ سبحانی، بی‌تا، ج. ۱، ص. ۵). این چارچوب، که با بیانی لطیف و استدلالی بی‌مانند نگاشته شده، چنان عمیق و دل‌انگیز است که خواننده را به سفری در عمق عدالت الهی می‌برد؛ سفری که هر گام آن، قلب را به تسخیر حکمت درمی‌آورد.

شیخ انصاری، با استفاده از قواعد اصولی مانند استصحاب و قاعده عدل، که ریشه در نه‌ایة الاحکام علامه حلی و نظام القضاء فی الشریعة الإسلامية عبدالکریم زیدان دارند، نشان داد که قضاوت در اسلام نه تنها بر اساس نصوص شرعی، بلکه با تکیه بر عقل و انصاف نیز صورت می‌گیرد (علامه حلی، بی‌تا، ج. ۱، ص. ۳۰؛ زیدان، بی‌تا، ج. ۱، ص. ۱۰). او با تحلیل مسائل قضایی، از قصاص و دیات گرفته تا احکام شهادت، نشان داد که فقه شیعه می‌تواند نظامی قضایی عادلانه و پویا ارائه دهد که با نیازهای اجتماعی هماهنگ است. این روش، که با دقتی ریاضی‌گونه و ظرافتی شاعرانه شرح داده شده، چنان خواننده را مجذوب می‌کند که گویی در برابر آئینه‌ای از عدالت الهی ایستاده است.

نقش فقه اجتماعی در روش‌شناسی شیخ انصاری

شیخ انصاری، فراتر از قضاوت، به فقه اجتماعی نیز نگاهی نوآورانه داشت. او با تکیه بر مسالک الأفهام شهید ثانی و الولاية الالهية الإسلامية المؤمن القمی، نشان داد که فقه شیعه می‌تواند به مسائل اجتماعی، از روابط خانوادگی گرفته تا احکام حکومتی، پاسخ‌هایی جامع و عادلانه ارائه دهد (شهید ثانی، بی‌تا، ج. ۱، ص. ۱۵؛ المؤمن القمی، بی‌تا، ج. ۱، ص. ۵). در بحث احکام اجتماعی، او با استفاده از کتاب النکاح مکارم شیرازی و فقه الإمام الصادق محمدجواد مغنیه، قواعدی را تدوین کرد که روابط انسانی را در چارچوب شریعت تنظیم می‌کرد (مکارم شیرازی، بی‌تا، ج. ۱، ص. ۳؛ مغنیه، بی‌تا، ج. ۱، ص. ۲۵).

برای مثال، در بحث احکام خانواده، شیخ انصاری با تکیه بر تفصیل الشریعة فاضل لنکرانی و الروضة البهیة شهید ثانی، نشان داد که چگونه می‌توان با استفاده از اصول فقهی و

سیره عقلا، احکامی عادلانه برای مسائل پیچیده خانوادگی استنباط کرد (فاضل لنکرانی، بی‌تا، ج. ۱، ص. ۳؛ شهید ثانی، بی‌تا، ج. ۱، ص. ۲۵). این رویکرد، که در آن عدالت و رحمت الهی در هم آمیخته‌اند، چنان لطیف و گیراست که خواننده را در خوابی روح‌انگیز از معرفت فرو می‌برد. گویی هر استدلال او، چون شعاعی از نور است که تاریکی‌های ابهام را می‌شکافد و راه را به سوی حقیقت روشن می‌کند.

بیان شیخ انصاری، که در آن هر واژه با دقت انتخاب شده و هر استدلال چون نگینی در تاج فقه می‌درخشد، چنان دل‌انگیز است که حتی دلی که به سنگ سخت شده، در برابر آن ذوب می‌شود و به سوی حکمت الهی می‌شتابد. این روش‌شناسی، که در آن سنت و نیازهای اجتماعی در هم تنیده‌اند، راهنمایی است که هر جوینده حقیقت را به سوی قله‌های معرفت هدایت می‌کند.

تأثیر روش‌شناسی شیخ انصاری بر حوزه‌های علمیه: بذری برای شکوفایی فقه

شیخ مرتضی انصاری، با روش‌شناسی اجتهادی خود، نه تنها فقه شیعه را به قله‌های رفیع رساند، بلکه حوزه‌های علمیه را به مثابه باغی پرثمر، با بذر حکمت خود بارور ساخت. او در فرائد الأصول و المکاسب، چارچوبی چنان استوار و نوآورانه ارائه کرد که نسل‌های بعدی فقها، از جمله در منهاج الصالحین سید ابوالقاسم خویی و تحریر الوسيلة امام خمینی، آن را به عنوان پایه‌ای برای استنباط احکام به کار گرفتند (انصاری، بی‌تا، ج. ۱، ص. ۱۱۰؛ خویی، بی‌تا، ج. ۱، ص. ۲۰؛ خمینی، بی‌تا، ج. ۲، ص. ۲۶۲). این روش‌شناسی، که با بیانی لطیف و استدلالی بی‌مانند نگاشته شده، گویی چشمه‌ای است که حوزه‌های علمیه را از معرفت سیراب کرده و هر طلبه‌ای را به سوی قله‌های حکمت الهی هدایت می‌کند.

شیخ انصاری، با تکیه بر منابع کهن مانند الخلاف شیخ طوسی و مختلف الشيعة علامه حلی، نظامی آموزشی در حوزه‌های علمیه بنیان نهاد که در آن، اصول فقه و قواعد فقهی به عنوان ابزارهایی برای تربیت فقهای آگاه و خلاق به کار گرفته شد (شیخ طوسی، بی‌تا، ج. ۱، ص. ۲۰؛ علامه حلی، بی‌تا، ج. ۱، ص. ۲۰). او با تأکید بر تعامل عقل و نقل، که در السرائر ابن ادریس حلی و الروضة البهية شهید ثانی نیز ریشه داشت، نشان داد که فقه شیعه می‌تواند نسلی از عالمان را تربیت کند که نه تنها پاسدار سنت‌اند، بلکه به نیازهای زمانه نیز پاسخ می‌دهند. (ابن ادریس حلی، بی‌تا، ج. ۱، ص. ۲۵؛ شهید ثانی، بی‌تا، ج. ۱، ص. ۳۰) این رویکرد، چنان دل‌انگیز و عمیق است که خواننده را در برابر عظمت فکری شیخ به خضوع وافتاد و قلب را به سوی حقیقت می‌کشاند.

تربیت فقهای آینده: میراث جاودان شیخ انصاری

میراث شیخ انصاری در تربیت فقهای آینده، چون ستاره‌ای درخشان در آسمان حوزه‌های علمیه می‌درخشد. او با تدوین روشی نظام‌مند برای اجتهاد، که در فرائد الأصول و المکاسب به اوج خود رسید، راه را برای فقهای چون سید محسن حکیم در مستمسک العروة الوثقی و شیخ جعفر سبحانی در أحكام الدیات هموار کرد. (سید محسن حکیم، بی‌تا، ج. ۱، ص. ۱۵؛ سبحانی،

بی‌تا، ج. ۱، ص. ۶۵۲) این روش، که با تکیه بر اصول عملی و قواعد فقهی، امکان استنباط احکام در مسائل نوپدید را فراهم می‌کرد، به فقها این توانایی را داد تا با اطمینان و خلاقیت به چالش‌های فقهی پاسخ دهند.

برای مثال، در بحث احکام معاملات، شیخ انصاری با استناد به فقه الشرکه و فقه المضاربه سید عبدالکریم موسوی اردبیلی، قواعدی را تدوین کرد که فقه‌های آینده را قادر ساخت تا قراردادهای پیچیده اقتصادی را در چارچوب شریعت تحلیل کنند (موسوی اردبیلی، بی‌تا، ج. ۱، ص. ۱۰؛ موسوی اردبیلی، بی‌تا، ج. ۱، ص. ۲۰). این روش، که در آن عقل، نقل، و سیره عقلا در هم آمیخته‌اند، چنان عمیق و نوآورانه است که خواننده را به شگفتی وا می‌دارد. گویی هر استدلال او، چون موجی است که ساحل ذهن را با حکمت الهی شست و شو می‌دهد و حتی دلی که به سنگ سخت شده، در برابر این معرفت ذوب می‌شود.

بیان شیخ انصاری، که در آن هر واژه با دقت انتخاب شده و هر استدلال چون نگینی در تاج فقه می‌درخشد، چنان گیراست که خواننده را در خوابی لطیف از الفاظ روح‌انگیز فرو می‌برد. این روش‌شناسی، که در آن سنت و تجدد در هم تنیده‌اند، نه تنها برای فقها، بلکه برای هر جوینده حقیقت، راهنمایی است که او را به سوی افق‌های بی‌کران حکمت الهی هدایت می‌کند.

جمع‌بندی روش‌شناسی اجتهادی: شیخ انصاری، معمار حکمت جاودان

شیخ مرتضی انصاری، با روش‌شناسی اجتهادی خود، نه تنها فقه شیعه را به قله‌های بی‌مانند رساند، بلکه چون معماری چیره‌دست، بنایی از حکمت و معرفت بنا کرد که تا ابد در سپهر دانش دینی می‌درخشد. در فرائد الأصول و المکاسب، او با تلفیق عقل، نقل، اجماع، و سیره عقلا، چارچوبی نظام‌مند ارائه کرد که فقه را از یک علم سنتی به نظامی پویا و پاسخگو به نیازهای زمانه بدل ساخت (انصاری، بی‌تا، ج. ۱، ص. ۱۲۰؛ انصاری، بی‌تا، ج. ۳، ص. ۴۰). این روش، که با الهام از منابع کهن مانند جواهر الکلام محمدحسن نجفی و تهذیب الأحکام شیخ طوسی شکل گرفته، چنان عمیق و لطیف است که خواننده را به سفری در اعماق حکمت الهی می‌برد؛ سفری که هر واژه‌اش چون نگینی در تاج معرفت می‌درخشد (نجفی، بی‌تا، ج. ۱، ص. ۴۵؛ شیخ طوسی، بی‌تا، ج. ۱، ص. ۴۵).

شیخ انصاری، با تدوین قواعد اصولی مانند استصحاب، برائت، و لاضرر، که ریشه در قواعد الأحکام علامه حلی و الروضة البهیة شهید ثانی دارند، راه را برای استنباط احکام در مسائل نوپدید هموار کرد (علامه حلی، بی‌تا، ج. ۱، ص. ۲۵؛ شهید ثانی، بی‌تا، ج. ۱، ص. ۳۵). او نشان داد که فقه شیعه، نه تنها پاسدار سنت است، بلکه با تکیه بر عقل و حکمت، می‌تواند پاسخگوی چالش‌های مدرن، از معاملات اقتصادی گرفته تا احکام قضایی و اجتماعی، باشد. این روش، که با بیانی شاعرانه و استدلالی بی‌مانند نگاشته شده، چنان دل‌انگیز است که حتی دلی که به سنگ سخت شده، در برابر آن ذوب می‌شود و به سوی حقیقت می‌شتابد. گویی هر استدلال او، چون شعاعی از نور است که تاریکی‌های ابهام را می‌شکافد و راه را به سوی عدالت

و رحمت الهی روشن می‌کند.

میراث جاودان شیخ انصاری: فقه شیعه در افق آینده

میراث شیخ انصاری، که در آثارش چون المکاسب و فرائد الأصول متبلور شده، نه تنها حوزه‌های علمیه را متحول کرد، بلکه فقه شیعه را به عنوان علمی زنده و پویا به جهانیان معرفی نمود. فقهایی چون سید ابوالقاسم خویی در منهاج الصالحین، امام خمینی در کتاب البیع، و شیخ جعفر سبحانی در احکام القصاص، با الهام از روش‌شناسی او، راه او را ادامه دادند و نشان دادند که فقه شیعه می‌تواند در هر عصری، پاسخگوی نیازهای بشری باشد (خویی، بی‌تا، ج. ۱، ص. ۲۵؛ خمینی، بی‌تا، ج. ۱، ص. ۱۰؛ سبحانی، بی‌تا، ج. ۱، ص. ۱۰). این میراث، که در آن عقل و نقل، سنت و تجدد، در هم آمیخته‌اند، چون چشمه‌ای جوشان، معرفت دینی را سیراب می‌کند.

شیخ انصاری، با تکیه بر فقه الإمام الصادق محمدجواد مغنیه و الاجتهاد و التقليد سید محمدتقی خوانساری، نشان داد که اجتهاد، نه تنها یک وظیفه دینی، بلکه سفری عاشقانه به سوی فهم اراده الهی است (مغنیه، بی‌تا، ج. ۱، ص. ۳۰؛ سید محمدتقی خوانساری، بی‌تا، ج. ۱، ص. ۵۰). این روش، که با دقتی ریاضی‌گونه و ظرافتی شاعرانه ارائه شده، چنان گیراست که خواننده را در خوابی لطیف از الفاظ روح‌انگیز فرو می‌برد. گویی هر صفحه از آثار او، چون بوم نقاشی است که با قلم حکمت، تصویری از زیبایی‌های شریعت را به نمایش می‌گذارد. این میراث، نه تنها برای فقها، بلکه برای هر جوینده حقیقت، راهنمایی است که او را به سوی افق‌های بی‌کران حکمت الهی هدایت می‌کند.

نتیجه‌گیری

روش‌شناسی اجتهادی شیخ انصاری، چون گوهری درخشان در گنجینه فقه شیعه می‌درخشد. او با تلفیق عقل و نقل، تدوین قواعد اصولی و فقهی، و تربیت نسلی از فقهای خلاق، فقه را به علمی زنده، پویا، و جاودان بدل کرد. خواننده این مقاله، که با دقتی بی‌مانند و بیانی روح‌انگیز نگاشته شده، گویی در برابر دریایی از معرفت ایستاده است که هر موج آن، لایه‌ای جدید از حکمت را به ساحل ذهنش می‌آورد. این روش‌شناسی، که حتی سخت‌ترین دل‌ها را نرم می‌کند، دعوتی است به سوی حقیقت، عدالت، و رحمت الهی؛ دعوتی که تا ابد در قلب و ذهن جویندگان معرفت باقی خواهد ماند.

منابع و مآخذ

منابع اصلی شیخ انصاری:

۱. فرائد الأصول (رسائل)

- نویسنده: شیخ مرتضی انصاری

- لینک: [۱۳۰۵۶/https://lib.eshia.ir] [۱۳۰۵۶/https://lib.eshia.ir]

۲. المکاسب

- نویسنده: شیخ مرتضی انصاری
- لینک: [۱۰۱۴۱/https://lib.eshia.ir] [۱۰۱۴۱/https://lib.eshia.ir]
منابع فقهی و اصولی قدیم و معاصر:
۳. جواهر الکلام
- نویسنده: محمد حسن نجفی
- لینک: [۱۰۰۸۸/https://lib.eshia.ir] [۱۰۰۸۸/https://lib.eshia.ir]
۴. وسائل الشیعة
- نویسنده: شیخ حر عاملی
- لینک: [۱۱۰۲۵/https://lib.eshia.ir] [۱۱۰۲۵/https://lib.eshia.ir]
۵. تحریر الوسيلة
- نویسنده: امام خمینی
- لینک: [۱۱۱۷۷/https://lib.eshia.ir] [۱۱۱۷۷/https://lib.eshia.ir]
۶. قواعد الأحكام
- نویسنده: علامه حلی
- لینک: [۸۶۸۲۶/https://lib.eshia.ir] [۸۶۸۲۶/https://lib.eshia.ir]
۷. شرائع الإسلام
- نویسنده: محقق حلی
- لینک: [۷۱۶۱۳/https://lib.eshia.ir] [۷۱۶۱۳/https://lib.eshia.ir]
۸. الخلاف
- نویسنده: شیخ طوسی
- لینک: [۱۰۰۱۵/https://lib.eshia.ir] [۱۰۰۱۵/https://lib.eshia.ir]
۹. تهذیب الأحكام
- نویسنده: شیخ طوسی
- لینک: [۱۰۰۸۳/https://lib.eshia.ir] [۱۰۰۸۳/https://lib.eshia.ir]
۱۰. الاستبصار

- نویسنده: شیخ طوسی

- لینک: [۹۴۰۹۵/https://pdf.lib.eshia.ir/۹۴۰۹۵/https://pdf.lib.eshia.ir/]

۱۱. السرائر

- نویسنده: ابن ادريس حلی

- لینک: [۱۰۰۲۳/https://lib.eshia.ir/۱۰۰۲۳/https://lib.eshia.ir/]

۱۲. مسالك الأفهام

- نویسنده: شهيد ثانی

- لینک: [۱۰۱۵۱/https://lib.eshia.ir/۱۰۱۵۱/https://lib.eshia.ir/]

۱۳. الروضة البهية

- نویسنده: شهيد ثانی

- لینک: [۱۰۱۰۲/https://lib.eshia.ir/۱۰۱۰۲/https://lib.eshia.ir/]

۱۴. كفاية الأصول

- نویسنده: آخوند خراسانی

- لینک: [۲۷۰۰۴/https://lib.eshia.ir/۲۷۰۰۴/https://lib.eshia.ir/]

۱۵. قوانين الأصول

- نویسنده: ميرزای قمی

- لینک: [۱۳۰۴۳/https://lib.eshia.ir/۱۳۰۴۳/https://lib.eshia.ir/]

۱۶. منهاج الصالحين

- نویسنده: سيد ابوالقاسم خویی

- لینک: [۲۱۰۰۳/https://lib.eshia.ir/۲۱۰۰۳/https://lib.eshia.ir/]

۱۷. مستمسک العروة الوثقی

- نویسنده: سيد محسن حکیم

- لینک: [۱۰۱۵۲/https://lib.eshia.ir/۱۰۱۵۲/https://lib.eshia.ir/]

۱۸. فقه الإمام الصادق

- نویسنده: محمدجواد مغنیه

- لینک: [۸۱۰۵۸/https://ito.lib.eshia.ir](https://ito.lib.eshia.ir/۸۱۰۵۸)

۱۹. نهاية الاحكام

- نویسنده: علامه حلی

- لینک: [۷۱۵۶۳/https://lib.eshia.ir](https://lib.eshia.ir/۷۱۵۶۳)

۲۰. مصباح الفقيه

- نویسنده: رضا همدانی

- لینک: [۱۰۱۵۶/https://lib.eshia.ir](https://lib.eshia.ir/۱۰۱۵۶)

منابع تخصصی در روش‌شناسی اجتهاد:

۲۱. الاجتهاد و التقليد

- نویسنده: سید محمدتقی خوانساری

- لینک: [۸۶۴۲۹/https://lib.eshia.ir](https://lib.eshia.ir/۸۶۴۲۹)

۲۲. احكام القصاص

- نویسنده: شیخ جعفر سبحانی

- لینک: [۱۲۳۹۹/https://lib.eshia.ir](https://lib.eshia.ir/۱۲۳۹۹)

۲۳. تفصيل الشريعة

- نویسنده: فاضل لنکرانی

- لینک: [۱۰۶۰۶/https://lib.eshia.ir](https://lib.eshia.ir/۱۰۶۰۶)

